سیاست روز

یک‌شنبه | ۷ مرداد ۱۳۹۷ | شماره ۴۸۰۲

بررسی تحولات شبه‌قاره در گفت‌وگوی سیاست روز با پیر محمد ملازهی

احتمال کودتای ارتش پاکستان

تنها هند قدرت آینده شبه‌قاره خواهد بود

نمای نزدیک

گفت و گو

قاسم غفوری - مائده شیرپور

شبه‌قاره که در نگاه بسیاری از کارشناسان شامل هند، پاکستان و افغانستان می‌شود دورانی بس حساس را سپری می‌کند. پاکستان با برگزاری انتخابات پارلمانی وارد فاز جدیدی از تحولات سیاسی و امنیتی شده بویژه اینکه بر خلاف دوره‌های گذشته که یکی از دو حزب مسلم لیگ شاخه نواز و حزب مردم به قدرت می‌رسیدند این بار حزب «تحریک انصاف» عمران‌خان که سابقه چندانی در عرصه سیاسی ندارد، توانسته جریان اول انتخابات معرفی و برای تشکیل دولت به دنبال ائتلاف سازی باشد. پیروزی که برخی تحلیل‌گران آن را نتیجه شرایط داخلی و بیرونی پاکستان و عده‌ای نیز آن را برگرفته از مهندسی ارتش برای عدم به قدرت رسیدن دو جریان سنتی مسلم لیگ نواز و حزب مردم می‌دانند.

افغانستان، بخش دیگری از این منطقه نیز ویژگی‌های خود را دارد که محور آن را نیز ناتوانی دولت مرکزی در اداره کشور و البته نیاز دولت و نیروهای خارجی به مذاکره با طالبان تشکیل می‌دهد بویژه اینکه خطر گسترش داعش در افغانستان به نکته‌ای مهم مبدل شده است. وضعیت هند و سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی آن نیز از دیگر ابعاد تحولات مهم شبه‌قاره است. هند نگاهی جهانی دارد و تلاش می‌کند در ساختاری گسترده سیاست‌های خود را طراحی و اجرا کند و در این راستا به دنبال تعاملات با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

نوع بازیگری افغانستان، پاکستان و هند در معادلات منطقه و جهان و نیز نوع رفتار سه کشور مذکور در قبال یکدیگر و نوع نگاه منطقه و جهان به آنها زمینه‌ساز ابهامات بسیاری در زمینه آینده شبه‌قاره شده است. برای آگاهی از آخرین وضعیت پاکستان، افغانستان و هند بویژه در باره انتخابات اخیر پاکستان با پیر محمد ملازهی کارشناس ارشد مسائل شبه‌قاره که سال‌های طولانی به تحقیق و کنکاش در امور این منطقه پرداخته، به گفت‌وگو نشسته‌ایم. بخوانید ماحصل این گفت‌وگو را:

بحث انتخابات پاکستان این روزها یکی از محورهای اصلی محافل رسانه‌ای و سیاسی جهان است. با توجه به شناختی که از پاکستان دارید، روند انتخابات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا جریانی می‌تواند اکثریت پارلمان را به خود اختصاص دهد؟ روند سیاسی پاکستان با شرایط کنونی به کدام سمت و سو پیش می‌رود؟

ببینید. در مقطع کنونی سه جریان اصلی وجود دارد که در روند سیاسی فعال هستند. یک جریان حزب مسلم لیگ شاخه نواز است که در طول ۵ سال اخیر به رهبری نواز شریف در رأس قدرت بوده است که البته با رای دادگاه و برکناری وی از قدرت و رفتنش به زندان، اکنون رهبری این حزب با برادرش شهباز شریف است. جریان دوم سیاسی، حزب مردم است که رهبری آن را بلاول بوتو زرداری پسر خانم بوتو بر عهده دارد که یکی از احزب قدرتمند در پاکستان است و حداقل این انتظار را دارد که بتواند جناح خود را به قدرت بازگرداند.

جناح سوم جناح تحریک انصاف به رهبری عمران‌خان است. این حزب برای اولین بار است که در سطح سراسری ادعای کسب پیروزی در انتخابات را دارد. گفته می‌شود که در پشت پرده، این جریان تحت حمایت ژنرالهای ارتش قرار دارد. یعنی ارتش ترجیح می‌دهد که به جای حزب مسلم لیگ شاخه نواز و حزب مردم که از خودشان استقلال عمل نشان می‌دهند و مشکل برای نظامیان ایجاد می‌کنند اینبار یک نوع مهندسی در انتخابات صورت بگیرد که این حزب انصاف بتواند به قدرت برسد و آن دو حزب را کنار بزند، اما اینکه واقعا بتوانند چنین پروژه‌ای را به پیش ببرند و با توجه به شرایطی که در پاکستان وجود دارد و با توجه به اینکه مردم پاکستان حسی نسبت به حزب مردم و حزب مسلم لیگ نواز دارند، خیلی سخت است که بشود گفت که حزب انصاف بتواند به رغم پیروزی در انتخابات دولت تشکیل دهد و آن احزاب را کنار بزند؛ اگر انتخابات آزاد و منصفانه برگزار می‌شد به نظر می‌رسد که حزب نواز یا حزب مردم پیروز انتخابات بود و حزب انصاف آقای عمران‌خان شانس زیادی برای پیروزی نداشت.

این مسئله مطرح است که ارتش انتخابات را مهندسی کامل کرده تا اجازه ندهد آن دو حزب قدرتمند بازگردند و در این صورت شاید قابل پیش بینی باشد که با محوریت حزب انصاف عمران‌خان و با ائتلاف با احزاب کوچک که با حمایت ارتش بیاید کنار عمران‌خان قرار گیرند، دولت ائتلافی ضعیفی که حرف شنوی از ارتش را داشته باشد را بتوانند تشکیل دهند. نکته اینجاست که از همین حالا زمزمه‌هایی هم حزب مردم و هم حزب مسلم لیگ دارند که نتایج انتخابات مهندسی شده را نپذیرند و اگر این اتفاق ادامه یابد، ممکن است پاکستان با دور جدیدی از ناآرامی ها رو به رو شود و نتواند دولت مشروعی را روی کار آورد.

در این صورت سرنوشت پاکستان به کدام سو می‌رود؟

اگر اوضاع از کنترل خارج شود، ارتش اینبار دیگر دست به کودتا زده و مستقیما قدرت را در دست می‌گیرد. بنابراین بین یک دولت ضعیف طرفدار ارتش و جریان‌های سیاسی اگر تنشی روی دهد، می‌توان انتظار کودتا از سوی ارتش را داشت.

پس می‌شود گفت بازداشت آقای نواز شریف و آمدن آقای پرویز مشرف به عرصه انتخابات و سیاست برگرفته از رفتارهایی است که ارتش می‌خواهد انجام دهد؟

بله، دقیقاً درست است.

خب با این شرایط مردم و جریان سیاسی پاکستان می‌پذیرند چنین اتفاقی روی دهد؟

به نظرم حزب مردم و حزب نواز شریف این آمادگی را دارند که نپذیرند و اینکه چقدر بتوانند مردم را به خیابانها پای کار بیاورند این جای بحث دارد. ممکن است که یک دوره ناآرامی باشد و در نهایت ارتش این توانایی را دارد که بر اوضاع مسلط شده بنابراین خیلی معادله سیاسی را نباید به سود جریاناتی دید که حزبی هستند و بیشتر به نظر می‌رسد که ارتش در پوشش حزب انصاف و یا به صورت عریان در شکل کودتا قدرت را اینبار در انحصار خودش در می‌آورد و اجازه نمی‌دهد حزب مردم و نواز شریف به قدرت برسند مگر اینکه اتفاقی رخ دهد که نشود کاری کرد. به هر حال شرایط یک شرایط کاملاً آماده‌ای برای استقرار دموکراسی هدایت شده در پاکستان است.

با توجه به شرایطی که گفتید می‌شود گفت که احتمال ائتلاف دو حزب مردم و نواز شریف برای مقابله با ارتش وجود دارد؟

تا زمانی که نتایج نهایی انتخابات اعلان نشده اینها هر کدام مدعی پیروزی بوده‌اند، هم حزب مردم و هم حزب نواز شریف. حزب نواز شریف با توجه به اینکه نواز شریف را از قدرت بیرون کردند و به نوعی مظلومیتی هم برایش ایجاد شده است. حزب مردم هم با توجه به اینکه جو روانی هم در پاکستان هست و معمولا وقتی یکی از احزاب حاکم است گرایش‌های مردمی می‌رود به سمت حزب رقیب که حامی مردم باشد این حالت هم برای حزب مردم وجود دارد و آنها مدعی هستند که می‌توانستند پیروز باشند، بنابراین تا زمانی که نتایج انتخابات مشخص نشده بود این دو حزب معتقد بودند که پیروز انتخابات هستند و دست به ائتلاف نزده چون رقیب هستند و مدعی.

اما وقتی که نتایج انتخابات مشخص شد و حزب انصاف و ائتلاف‌های کوچکتر پیروز انتخابات عنوان شدن آن موقع شرایط برای مذاکره بین حزب مردم و نواز مساعد شده تا اینها هماهنگی بکنند مانند زمانی که برای پرویز مشرف ایجاد شد. در لندن نواز شریف و خانم بی‌نظیر بوتو با هم به توافق رسیدند که یک حرکت دموکراسی‌خواهی را در پاکستان هماهنگ ایجاد کنند و تعهد کردند که هر حزبی در انتخابات پیروز شد آن حزب مقابل، این پیروزی را به رسمیت بشناسد و حزب دیگر به شکل حزب مخالف در پارلمان در بیاید و اگر این اتفاق روی دهد و به نظرم همان توافق لندن قابل تکرار است و می‌تواند حزب مردم و حزب نواز را در یک جبهه قرار دهد آن هم در مقابل نظامیان و حزبی که به اصطلاح مورد حمایت نظامیان باشد.

نقش طالبان را در این انتخابات و روند تحولات پاکستان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ببینید طالبانی که شما اشاره می‌کنید تحریک طالبان پاکستان است که در نقاط قبایلی مستقر هستند. تحریک طالبان پاکستان در موقعیتی نیست که به عنوان یک واقعیت که از طریق انتخابات و رای مردم بتواند بیاید به کرسی‌های قدرت برسد آنها دنبال عملیات نظامی و جهاد و اینگونه مسائل هستند.

اما یک جریان ملایم تری هم وجود دارد مثل جریان اسلامی و جمعیت علمای اسلام شاخه فضل الرحمان اینها معمولاً تمایل دارند که ائتلاف کنند با احزاب دیگر که فکر می‌کنم حزب مردم این کار را انجام دهد البته اگر ارتش آنها را متقاعد نکرده باشد.

در صورت اقدام ارتش، ممکن است در کنار حزب انصاف هم قرار بگیرد. بنابراین جریان اسلام‌گرا در دو قالب میانه‌رو که جماعت اسلامی و جمعیت علمای اسلامی هستند که اینها جریان رسمی و احزاب ثبت شده هستند و یک جناح رادیکالی است که بخشی از آن تحریک طالبان است که در مناطق قبایلی هستند همه و بخشی هم لشکر طیبه و جنگو که آنها عمدتا دیدگاه جهادی دارند و از طریق خشونت می‌خواهند قدرت را به دست بگیرند هر چند که در انتخابات شرکت می‌کنند اما شانسی برای پیروزی ندارند. به عناوین مختلف در انتخابات حضور دارند اما جریان اسلام‌گرا در موقعیتی نیست که به قدرت از طریق سیاسی بتوانند امید داشته باشد.

در تحولات پاکستان همواره نقش آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها را همیشه داشتیم. در انتخابات اخیر این کشورها چه نقشی دارند و نگاهشان به دولت آینده این کشور چیست؟

ببینید واقعیت این است که در پاکستان در شرایط کنونی آمریکا و انگلیس خیلی در انتخابات نقش تعیین‌کننده ندارند و تجربه نشان داده هم حزب مردم و هم حزب مسلم لیگ نواز وقتی به پیروزی برسند می‌روند دنبال منافع گروهی و حزبی و در نهایت منافع پاکستان و خیلی از منابع بیرونی پیروی ندارند، چون احساس قدرت می‌کنند. با توجه به اینکه در پاکستان وضعیت حاد و شکننده‌ای حاکم است به لحاظ سیاسی شاید بشود گفت که تمایل انگلیس و آمریکا این است که آرامش در پاکستان برقرار شود و این آرامش را معمولاً نظامی ها می‌توانند به وجود بیاورند نه احزاب سیاسی و تجربه نشان داده هر وقت احزاب سیاسی در قدرت بودند چه حزب نواز و چه مردم آرامش به هم خورده ولی هر وقت نظامیان بر سر قدرت بودند توانستند اوضاع را کنترل کنند و مشکل خاصی به وجود نیامده است. در شرایط کنونی هم برداشت من این است که چنین برخوردی وجود دارد هر چند که به لحاظ ظاهری انگلیس، آمریکا و قدرتهای غربی همچنان روی اصل دموکراسی و حقوق بشر و آزادی انتخابات تأکید دارند و شاید در پشت پرده بدشان نیاید که قدرتی سر کار بیاید که آرامش را ایجاد کند.

ما در ماه‌های اخیر شاهد هستیم که بین آمریکا و پاکستان اختلافاتی ایجاد شده همانطور که آمریکایی‌ها اعلام کردند که اشتباه کردیم پاکستان را متحد استراتژیک معرفی کردیم. محور اختلافات بازی سیاسی است یا برخی اهداف اجرا نشده آمریکا در افغانستان و پاکستان زمینه‌ساز این وضعیت است؟

به احتمال قوی نظر دوم درست است اگر نگاه کنید به آن استراتژی که آقای ترامپ بعد از روی کار آمدنش در آمریکا اعلام کرد در جنوب آسیا دو محور را می‌بینید. یکی اینکه تقریبا دیگر انتخاب قطعی آمریکایی‌ها برای همکاری در شبه‌قاره، هندوستان است نه پاکستان و این کشور دیگر آن جایگاهی را که در جنگ سرد داشت برای آمریکایی‌ها ندارد و مسأله دوم مسأله افغانستان است که آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که پاکستان با حمایتی که از طالبان می‌کند به جنگ و ادامه بحران در افغانستان کمک کرده است. اگر صحبت ترامپ را نگاه کنید می‌بینید که او به صراحت اعلام کرد که پاکستان ما را فریب داده است و ۳۳ میلیارد دلار از ما در ۱۰ سال گذشته پول گرفته ، اما این پولها را خرج کسانی کرده که سربازان ما را در افغانستان می‌کشند.

مهمترین محور اختلاف دو کشور بر سر چه موضوعی است؟

بنابراین اختلافی که آمریکا با پاکستان دارد مسأله افغانستان است و موضع‌گیری‌هایی که آمریکایی‌ها در قبال افغانستان و هندوستان در مقابل پاکستان پیدا کردند. این رویکرد از قبل در زمان اوباما هم بود اما در زمان ترامپ روشن‌تر شده است و پاکستانی‌ها این را می‌دانند و به همین دلیل بود که اسلام‌آباد تلاش کرد که قطع کمک‌های آمریکا را از طریق چین و روسیه و ایران و عربستان سعودی بتواند تأمین کند و هیأت‌هایی را که هم در سطح نخست وزیر پاکستان و هم در سطح فرماندهان ارتش و «آی‌اس‌آی» را راهی ایران و منطقه کردند و به ترکیه و عربستان و روسیه و چین سفر کردند. همه اینها نشان می‌دهد که پاکستان می‌خواهد یک کمکی را جایگزین کمک‌های آمریکا کند اما می‌شود گفت که به جمع‌بندی کافی در این زمینه نرسیدند و هنوز منبعی که بتوانند اتکا کنند به جای آمریکا به دست نیاورند.

شکل‌گیری و ترکیب دولت جدید پاکستان چه تأثیری در روند رویکرد این کشور به سمت غرب و یا شرق دارد؟

به نظر من بی‌تأثیر نیست هر چند که یکی از عوامل است و نه کل عوامل. اما حقیقت آن است که پاکستان دیر یا زود باید تصمیم بگیرد جهت‌گیری‌اش در قبال منابع قدرت به کدام طرف خواهد بود، چون این وضعیت کنونی وضعیت شکننده‌ای است و این کشور نمی‌تواند دوام بیاورد. به نظر می‌رسد این انتخابات از این زاویه هم مهم است چراکه اگر در این انتخابات نیرویی بر سر کار بیاید که به دنبال استقلال عمل ملی در کشور باشد در آن صورت خیلی نمی‌تواند با آمریکایی‌ها مصالحه داشته باشد اما اگر نیرویی روی کار آید که چندان منافع ملی را در نظر نداشته باشد و اولویت آن منابع قدرت برای حفظ قدرت خود باشد در آن صورت با انتخاب دشواری مواجه است و باید میان غرب یا همان آمریکا و شرق با محوریت روسیه و چین یکی را انتخاب کند. به نظر من اگر عمران‌خان بتواند دولت تشکیل دهد پاکستان راحت‌تر می‌تواند تصمیم‌گیری در این عرصه داشته باشد، اما اگر دولت از سوی احزاب مسلم لیگ و یا مردم تشکیل شود، این روند بسیار سخت خواهد بود چراکه ارتش به آنها اجازه نخواهد داد که بخواهند جهت‌گیری خود را مشخص کنند.

منظور شما این است که حزب انصاف گرایش غربی بیشتری دارد؟

شخص عمران‌خان همسری یهودی و انگلیسی دارد و تفکرش تفکری غربی است.

پس با این شرایط می‌شود گفت که با پیروزی وی رویکرد به غرب در پاکستان قوت می‌گیرد؟

جهت‌گیری آینده پاکستان بیش از هر چیز بستگی به جمع‌بندی ارتش دارد که شرایط را چگونه ارزیابی کند.

در میان کشورهای منطقه، چین گرایش بسیاری به پاکستان داشته و حتی در کنار مراودات اقتصادی و نظامی از مذاکره با طالبان نیز سخن گفته است. پکن چه منافعی را در قبال پاکستان دنبال می‌کند؟

چین را باید در یک معادله بالاتر از منطقه دید در ارتباط با قدرت جهانی و اینکه رقابت‌ها میان چین و آمریکا به چه صورت پیش رود. واقعیت این است که چینی‌ها با توجه به اقتصاد توسعه یافته و قدرت اقتصادی که به دست آورده‌اند مدعی قدرت هستند و فکر می‌کنند که در ۴۰-۳۰ سال آینده بتوانند آمریکا را پشت سر گذاشته و قدرت اول جهان شوند. براساس آن معادله، پاکستان جایگاه ویژه‌ای دارد. می‌دانید که چین پروژه ایندیا پاسیفیک که از کانال آن خط ارتباطی جاده ابریشم تعریف می‌شود که بخشی از آن زمینی است که از پاکستان می‌آید و بخشی از آن دریایی که از اقیانوس هند می‌آید و وارد بندر گواتر پاکستان می‌شود همزمان با این پروژه چینی، هند و آمریکا یک پروژه موازی دارند با عنوان اقیانوس هند پاسیفیک است که معنایش این است که هندی‌ها و آمریکایی‌ها اقیانوس هند را به شرق آسیا اتصال دهند.

هند با چین رقابت شدیدی را در پیش گرفته و بر این اساس در سیاست‌های چین، پاکستان از جایگاه قابل توجهی برخوردار شده است. پاکستان و هند برای چین و آمریکا دارای اهمیت خاصی هستند چنانکه چینی‌ها ۵۰-۶۰ میلیارد دلار در پاکستان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و سعی دارند تا بندر گواتر را برای اهداف اقتصادی خود آماده سازند. از این زاویه رقابت میان چین و آمریکا در پاکستان بسیار بیشتر از آن چیزی است که در ظاهر مشاهده می‌شود.

روس‌ها از روابط با پاکستان چه منافعی را دنبال می‌کنند؟

روسها در زمان پوتین به دنبال بازسازی قدرت اتحاد جماهیر شوروی سابق هستند. آنها به نوعی در حال دامن زدن به جنگ سرد جدید با غرب هستند. شما نمونه‌های آن را در اوکراین و گرجستان و مناطق مختلف می‌بینید. به هر حال روس‌ها هم به دنبال قدرت هستند بنابراین در رقابت با آمریکا و همکاری با چین قرار می‌گیرند و البته پاکستانی که به نوعی همکار چین قلمداد می‌شود. از این زاویه روس‌ها منافع خود را دارند و به دنبال استفاده از پاکستان به عنوان مؤلفه‌ای برای رقابت با آمریکا هستند.

افغانستان چه نقشی در معادلات منطقه دارد؟

ببینید افغانستان الان تکلیفش مشخص نیست. جنگ داخلی کشور را در برگرفته و قدرت دولت مرکزی یک قدرت تمام عیار نیست و تقریباً ۵۰ درصد مناطق در دست طالبان است، بنابراین در این شرایط حداکثر کاری که دولت افغانستان می‌تواند انجام دهد حفظ خود است که فرو نپاشد. در این شرایط افغانستان نمی‌تواند در معادلات نقشی داشته باشدی و البته گرایش چین و روسیه به این کشور که اخیراً بیشتر شده است نیز برگرفته از همان رقابت با آمریکاست.

بحثی مطرح شده مبنی بر انتقال داعش به افغانستان توسط آمریکا. چه اهدافی از این انتقال برای آمریکا مطرح است؟

> **اگر اوضاع از کنترل خارج شود، ارتش اینبار دیگر دست به کودتا زده و مستقیما قدرت را در دست می‌گیرد. بنابراین بین یک دولت ضعیف طرفدار ارتش و جریان‌های سیاسی اگر تنشی روی دهد، می‌توان انتظار کودتا از سوی ارتش را داشت**

این مسئله چندان مشخص نیست و این مسئله را بیشتر روس‌ها مطرح کردند که آمریکا به دنبال انتقال بازماندگان شکست خوردگان داعش در سوریه و عراق هستند و می‌خواهند نیروهای چچنی داعش را علیه روسیه و چین به کار بگیرند. ولی اخیراً فرمانده ناتو در افغانستان گفته ما با داعش به جدیت مقابله می‌کنیم و حتی به طالبان کمک می‌کنیم که بتوانند با داعش مقابله کنند. بر این اساس ابهامات بسیاری وجود دارد که اکنون داعش در افغانستان باشد یا نباشد.

آیا احتمال دارد چین و یا روسیه برای آنچه امنیت خود می‌نامند در افغانستان اقدام نظامی صورت دهند؟

بعید است. روس‌ها تجربه جنگ در افغانستان را دارند لذا دیگر این چنین وارد جنگ نمی‌شوند هر چند که این احتمال وجود دارد که کمک تسلیحاتی و مالی از طالبان داشته باشند برای تأثیرگذاری بر تحولات اما اینکه بخواهند خود به صورت نظامی وارد جنگ شوند دور از ذهن است. چین نیز اراده‌ای برای اجرای سناریو نظامی در افغانستان ندارد.

مذاکراتی میان دولت مرکزی افغانستان و طالبان در حال برگزاری است. احتمال به نتیجه رسیدن مذاکرات وجود دارد؟

بحث اصلی میان طرفین بحث داعش است. اگر داعش در افغانستان رشد کند، هم برای دولت و هم برای طالبان خطرآفرین است، بنابراین داعش می‌تواند زمینه ای برای نزدیکی دولت و طالبان باشد. بحث دیگر سیاست‌های آمریکاست. آمریکا به دنبال باقی ماندن در افغانستان است و سعی دارد پایگاه‌های نظامی خود را حفظ کند لذا به دنبال نوعی مصالحه میان طالبان و دولت مرکزی است. بنابراین امکان توافق وجود دارد به شرط اینکه هند، افغانستان و آمریکایی‌ها بتوانند با اعمال فشار بر پاکستان موجب شوند تا اسلام‌آباد طالبان را پای میز مذاکره آورد.

طرحی که براساس آن نوعی تقسیم قدرت در افغانستان صورت گیرد و مناطق شرقی و جنوبی را به طالبان بدهند چنانکه برخی مذاکرات در این عرصه با حکمتیار نیز صورت گرفته است. البته دادن برخی پست‌های وزارتی در دولت مرکزی به طالبان نیز بخشی از این طرح است. البته این فرآیند به معنای پایان نزاع و درگیری در افغانستان نیست و صرفاً به کاهش تنش‌ها منجر می‌شود.

در گذشته شاهد بودیم که مصالحه‌ای میان طالبان و القاعده ایجاد شد آیا این احتمال وجود ندارد که بار دیگر این مصالحه میان طالبان و داعش صورت گیرد؟

جریان داعش و القاعده تفاوت‌هایی دارند اما به عنوان یک احتمال مطرح است که اگر طالبان با دولت مرکزی به توافق نرسند، اگر نگوییم رده فرماندهی حداقل در بدنه طالبان گرایش به سمت داعش وجود دارد. الان داعشی که در افغانستان حضور دارد بیشتر نیروهایش از طالبان پاکستان و افغانستان است که از وضع موجود ناراضی هستند. در اصل داعش افغانستان نوعی داعش بومی است نه آنکه از کشوری دیگر به این سرزمین آمده باشند.

اخیراً رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به پاکستان سفر داشته و توافقاتی نیز میان طرفین صورت گرفته است. ارزیابی شما از مراودات نظامی دو کشور چیست؟

ببینید ایران و پاکستان نزدیک به هزار کیلومتر مرز مشترک دارند که در منطقه بلوچستان است که مسائل بسیاری در منطقه دارد و ارتش پاکستان در این منطقه درگیر است. اخیراً این مسئله برای پاکستان ایجاد شده که هندی‌ها وارد منازعات بلوچستان شده و از جدایی‌طلبان حمایت می‌کنند. در همین حال امنیت این منطقه به امنیت ایران نیز مرتبط است با توجه به وجود قومیت بلوچ که در دو کشور وجود دارد.

طبیعی است که اگر نیرویی از داعش به این منطقه نفوذ کند چنانکه اخیراً عملیاتی در کویته انجام داد در آن صورت هر دو کشور نسبت به حضور داعش و رادیکالیسم اسلامی احساس خطر می‌کنند بنابراین نیازی وجود دارد میان ایران و پاکستان که برای کنترل اوضاع توافقی امنیتی داشته باشند. به نظرم می‌آید که این توسعه روابط بی‌ارتباط با تحولات منطقه نیست. از این زوایه اگر نگاه کنیم زمینه مشترکی میان دو کشور برای توسعه همکاری نظامی و امنیتی وجود دارد از یکسو برای مقابله با داعش و رادیکالیسم اسلامی و از سوی دیگر مقابله با جدایی طالبان که امنیت دو کشور را تهدید می‌کنند. براساس این دو عامل به نظر می‌آید که دو کشور بیش از گذشته به هم نزدیک شوند.

پاکستان تا چه میزان قابل اعتماد است؟

اما در باب اینکه پاکستان تا چه میزان قابل اعتماد است، باید بگوییم که پاکستان معمولا یک سیاست دو گانه‌ای دارد در همه زمینه‌ها این دوگانگی سیاست اعلامی است که رسماً بیان می‌شود در آن سیاست تلاش می‌کند که با همه کشورهای همسایه از جمله ایران یک رابطه دوستانه‌ای داشته باشد.

در کنار این مسئله پاکستان یک سیاست اعلام نشده‌ای نیز دارد که معمولا درباره افغانستان و هند پیگیری می‌کند و کمتر درباره ایران است و آن اجرای سیاست دوگانه اعلام همگرایی و همزمان پیگیری منافع انحصاری خود است. به هر حال اگر بخواهیم با نگاه بدبینانه نگاه کنیم باید بگوییم که پاکستان قابل اعتماد نیست و احتمال دارد در بخش‌هایی علیه ایران معامله کنند اما اگر نگاه خوشبینانه داشته باشیم هزار کیلومتر مرز مشترک و منافع امنیتی که برای طرفین در مقابله با جدایی طلبی و نیز رادیکالیسم اسلامی زمینه‌های مناسبی برای همکاری دو کشور است. البته با ملاحظاتی که هر کدام از کشورها برای خود دارند.

آیا این همگرایی روی روابط ایران با هند تاثیر ندارد؟

ببینید رابطه ایران و هند چندان تحت تأثیر روابط با پاکستان نیست. هند یک روابط استراتژیک جهانی را پیگیری می‌کند اصلاً بحث این کشور پاکستان نیست بحث هند در اصل برگرفته از همان نگاه اقیانوس هند پاسیفیک است و در این نگاه است که هند در مرحله اول یک قدرت منطقه‌ای و در مرحله بعد یک قدرت جهانی می‌شود. آمریکا نیز از این مسئله حمایت می‌کنند. به هر حال تحولات پاکستان شاید تاثیری جزیی بر روابط داشته باشد اما به نظر من تاثیر اثرگذار و چندانی نخواهد بود. مسئله تاثیرگذار نگاه هند به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای و جهانی دارد که رقابتی را با پاکستان و چین به وجود می‌آورد تاثیرگذار است.

هند اگر بخواهد یک قدرت باشد نگاه به غرب خواهد داشت و یا اینکه به روابط با چین و روسیه نیز ادامه می‌دهد؟

هند کشوری بزرگ است و منافع خاص خود را دارد اگر با آمریکا کار می‌کند معنایش این نیست که نتواند با چین و روسیه و یا کشوری دیگر همکاری کند. واقعیت این است که هند کشور بزرگی است و براساس منافع خود، قدرت تصمیم‌گیری دارد و لذا می‌تواند به جز با آمریکا و اروپا با سایر کشورها نیز ارتباط داشته باشد. این مسئله‌ای است که برای غربی‌ها نیز قابل فهم است و می‌دانند که نمی توانند با هند به عنوان کشور کوچک برخورد کنند. در مجموع این که تصور کنیم هند با غرب رابطه داشته باشد کاملا غربی شده است تصور نادرستی است و هرگز این چنین نیست.

تحلیل شما از آینده کلی شبه‌قاره چیست؟

به نظر من این هند است که در راس خواهد بود و نه پاکستان. پاکستان چندان ظرفیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را ندارد و این هند است که از این مولفه‌ها برای تاثیرگذاری بر معادلات برخوردار است آینده آینده هند است.

یعنی هر تغییری در پاکستان ایجاد شود نمی تواند تاثیر زیادی بر جایگاه منطقه‌ای آن داشته باشد؟

برای پاکستان تغییر خاصی صورت نمی‌گیرد و در نهایت این هند است که حرف اول منطقه را می‌زند.

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

حسب کیفرخواست صادره آقای ساسان معماری دایر بر تخریب و غیره تحت پیگرد می باشد و چون ابلاغ وقت رسیدگی به دلیل مجهول المکان بودن مقدور و میسور نیست لذا وفق ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری ازطریق انتشار آگهی وقت رسیدگی ۹۷/۶/۱۰ ساعت ۹ به وی ابلاغ می گردد تا در تاریخ فوق در جلسه دادگاه حاضر شود. نتیجه عدم حضور سبب اتخاذ تصمیم قانونی خواهد شد.م/الف

رییس شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو محمودآباد- ولی اله اسلامی

آگهی مزایده نوبت اول

به حکایت پرونده کلاسه ۹۷۰۰۰۸ اجرای احکام حقوقی محمودآباد محکوم علیه سجاد صادق نیا و غیره محکوم هسند به تادیه هفتادوپنج قطعه سکه بهار آزادی و ۵۳,۳۶۸,۶۲۵ ریال از محل ماترک متوفی مرحوم غلامرضا صادق نیای رودپشتی در حق محکوم لها خانم طالب نژاد با وکالت سیدروح اله حسینی در این دادگاه و ۱,۵۱۱,۷۸۱ ریال به عنوان نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت و با عنایت به عدم پرداخت دین ازناحیه محکوم علیه نسبت به توقیف یک قطعه زمین به همراه اعیانی موجود از ماترک متوفی اقدام که مشخصات آن عبارتند از:ملک فوق واقع در روستای ترسیاب شرقی -خیابان شهید حسن تبار-پلاک ۴ با کدپستی ۴۶۳۱۱-۶۱۸۷۱ با مساحت ۴۲۰/۹۴ سهم مشاع از ۵۴۴/۹۴ سهم شش دانگ یک باب خانه به پلاک ۳۹۷ فرعی از ۱۰ اصلی بخش ۱۰ ثبت محمودآباد به نام مرحوم غلامرضا صادق نیا رودپشتی می باشد حدود اربعه ملک فوق شمالا دیوار است به باغ مقیمی شرقا دیوار است به ملک سید احمد ایمانی جنوبا درب و دیوار است به خیابان شهید حسن تبار غربا درسه قسمت که قسمت اولبه دیوار مغازه جوشکاری صادق نیا و قسمت دوم و سوم به کارخانه شالیکوبی آقای اکبرزاده می باشد حدود اربعه و مشخصات ملک در طبیعت با حدود و ابعاد مندرج در سن مطابقت دارد اعیانی موجود در ملک شامل یک دستگاه ساختمان با سیستم اسکلت بتن آرمه در یک واحد به مساحت ۹۰مترمربع تک خوابه با سیستم کامل و سالن و آشپزخانه با قدمت سال ساخت حدود ۲۱ سال در دست استفاده و بهره برداری محکوم لها هاجر طالب نژاد می باشد ملک فاقد پروانه ساخت و امتیازات برق و آب شهری و دارای امتیازگاز خانگی می باشد در داخل ملک در امتداد شمالی به جنوب سه رشته سیم فشار قوی ۲۰ کیلووات عبور نموده هم چنین در جفت همسایگی ملک کارخانه شالیکوبی فعال و در دست بهره برداری می باشد لذا نتیجتا با در نظر گرفتن موارد فوق و مساحت و موقعیت ملک و اعیانی موجود ومشکل عبور خط سیم فشار قوی ۲۰ کیلووات و عوامل موثر در ارزیابی ارزش شش دانگ ملک اعم از عرصه و اعیانی موجود ارزش ملک ۱,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال(یک میلیاردوششصدمیلیون ریال)ارزیابی و تعیین گردیده، لذا نظر به عدم اعتراض از ناحیه نامبردگان نسبت به نظریه کارشناسی موارد توقیفی از طریق مزایده در تاریخ ۹۷/۵/۲۴ ساعت ۱۱ صبح در شعبه اجرای احکام حقوقی دادگاه محمودآباد و در صورت نیاز در محل موردنظر به فروش می رسد متقاضیان شرکت در مزایده می توانند حداقل ۵ روز قبل از تاریخ مزایده جهت کسب اطلاعات بیشتر به دفتر شعبه اول دادگاه حقوقی محمودآباد مراجعه نمایند . مزایده از قیمت پایه شروع و کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند برنده مزایده خواهند شد . هم چنین ده درصد مبلغ آن فی المجلس برابر ماده ۱۲۹ قانون اجرای احکام مدنی دریافت و مابقی آن ظرف مدت یک ماه اخذ خواهد شد و یک هفته پس از برگزاری مزایده و عدم اعتراض به آن پس از پرداختن کامل مبلغ پیشنهادی ، انتقال اموال صورت خواهد گرفت . چنانچه برنده مزایده بقیه بهای اموال را ظرف مدت یک ماه تعیین شده نپردازد ،سپرده او پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط خواهد شد.م/الف

منشی واحد اجرای احکام حقوقی محمودآباد-اسدی

دادنامه

پ ک :۹۶۰۹۹۸۱۲۲۸۳۰۰۱۴۲ شاکی:رضا مسعودی ف محمد متهم:مهدی درویش زاده ف رمضان ((رأی دادگاه)):به موجب کیفرخواست صادره شماره ۹۶/۱/۲۸-۸۲۰۱۵۸۰ دادسرای عمومی وانقلاب محمودآباد مهدی درویش زاده ف رمضان متهم است به کلاهبرداری رایانه ای به مبلغ سیصدوپانزده میلیون ریال معادل سی و یک میلیون و پانصدهزارتومان ،دادگاه با عنایت به شکایت شاکی خصوصی رضا مسعودی،تحقیقات به عمل آمده مرجع انتظامی و شعبه اول بازپرسی،اخذ پرینت های سال ماخوذه در صفحات ۱۵ الی ۱۶ و نیز سایر قرائن و امارات منعکس در پرونده و نظر به این که متهم با وصف ابلاغ قانونی در هیچ یک از مراحل تحقیقات مقدماتی و جلسه دادرسی حاضر نشده و لایحه ای نیز ارسال ننموده لذا ارتکاب بزه انتسابی را محرز و مسلم تشخیص داده و به استناد ماده ۷۴۱ ق مجازات اسلامی علاوه بر رد مال به صاحبش نام برده را به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم می نماید.رأی صادره غیابی بوده ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه محکمه می باشد.م/الف

ولی اللّه اسلامی-رییس شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو محمودآباد

دادنامه

پ‌ک:۹۶۰۹۹۸۱۲۲۷۳۰۰۸۰۹ دادنامه:۹۷۰۹۹۷۱۲۲۷۳۰۰۳۴۹ خواهان:شرکت سهامی بیمه ایران استان مازندران با نمایندگی مسعود صادقی دازمیری ف علی اکبر خوانده:مصیب سلمان زاده ((رأی دادگاه)):در این پرونده شرکت بیمه ایران استان مازندران با نمایندگی مسعود صادقی دازمیری دادخواستی به طرفیت مصیب سلمان زاده به خواسته مطالبه مبلغ ۱۲۲,۳۰۱,۵۶۰ ریال به انضمام کلیه خسارات قانونی و خسارت تاخیر تادیه و حق الوکاله نماینده قضایی تقدیم و در تشریح خواسته خود چنین بیان داشته که « اتومبیل سواری نیسان ماکسیما به شماره انتظامی ۱۲د۴۷۲ایران۸۲ به شماره موتور ۳۰۰۰۹۴۱۵ شاسی ۸۱۸۰۲۲ متعلق به احمد رحمانی بندپی به موجب بیمه نامه شماره ۹۱/۴۱۱/۳۰۵۸۸/۶۹ نزد شرکت سهامی بیمه ایران بیمه بدنه بوده اتومبیل سایپا به شماره انتظامی ۳۱و۶۲۷ایران۷۲ به رانندگی خوانده در تاریخ ۹۲/۴/۶ با اتومبیل مورد بیمه شرکت تصادف و به موجب گزارش افسر کاردان خوانده مقصر حادثه شناخته شده ، شرکت بیمه باتوجه به گزارش پلیس و پس از رسیدگی های لازم و عکس برداری از مورد بیمه مبلغ ۱۲۲,۳۰۱,۵۶۰ ریال بابت خسارت وارده به بیمه گذار پرداخت و رسید دریافت نموده نظر به این که براساس ماده ۳۰ قانون بیمه شرکت سهامی بیمه ایران قائم مقام بیمه گذار شده و می تواند معادل خسارت پرداختی از مسئول حادثه مطالبه کند لذا صدور حکم به شرح خواسته مورد استدعاست.» خوانده متعاقب عدم شناسایی در آدرس مندرج در دادخواست و علی رغم دعوت از طریق نشر آگهی از حضور در دادگاه و دفاع از دعوی مطروحه خودداری نموده است.دادگاه با امعان نظر در محتویات اوراق پرونده(تصویر کروکی افسر کاردان مبنی بر تقصیر خوانده در تصادف معموله به علت بی احتیاطی در امر رانندگی و تصویر بیمه نامه بدنه متعلق به خودرو غیر مقصر و تصویر سند مربوط به دریافت مبلغ خواسته از سوی راننده غیرمقصر)دعوی خواهان را وارد و اشتغال ذمه خوانده را به مبلغ واسته ثابت تشخیص و نظر به این که شرکت خواهان بعد از پرداخت خسارت به مالک خودرو غیرمقصر ، قائم مقام مالک جهت مطالبه خسارت می باشد و خوانده نیز دلیلی بر پرداخت دین و برائت ذمه خویش به دادگاه ارائه ننموده و در پرونده نیز موجود نمی باشد لذا ضمن پذیرش دعوی مطروحه و مستندا به ماده ۳۰ قانون بیمه و مواد یک و دو قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷ و ماده ۳۳۱ قانون مدنی و مواد ۱۹۸-۵۱۹-۵۲۲ ق آ د م و قانون اجازه پرداخت پنجاه درصد از حق الوکاله های وصولی به نمایندگان قضایی و کارمندان موثر در پیشرفت دعاوی دولت مصوب ۴۴/۱۰/۱۲ و تبصره ۳۰ قانون بودجه سال ۱۳۳۹ کل کشور خوانده را به پرداخت ۱۲۲,۳۰۱,۵۶۰ ریال اصل خواسته و ۳,۲۴۷,۵۳۹ ریال هزینه دادرسی و نصف حق الوکاله وکیل طبق تعرفه و نیز خسارت تاخیر تادیه برمبنای شاخص نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی از تاریخ ۹۶/۱۲/۱۹(تاریخ مطالبه طبق دادخواست)تا اجرای حکم در حق خواهان محکوم می نماید.رأی صادره غیابی ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین دادگاه سپس ظرف بیست روز دیگر قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر مازندران می باشد.م/الف

رییس شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی محمودآباد-ثقفی

دادنامه

پرونده:۱۲/۹۶/۶۷۰ دادنامه:۴۴-۹۷/۲/۱۸ خواهان:سعید بابویه دارابی ف حسن با وکالت لیلا قربانی خوانده:ابراهیم گنجی ((رأی قاضی شورا)):درخصوص دعوای سعید بابویه دارابی ف حسن با وکالت لیلا قربانی به طرفیت ابراهیم گنجی ف اسماعیل به خواسته محکومیت خوانده به پرداخت ۹۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال به انضمام خسارات دادرسی و خسارت تاخیر تادیه به استناد ۳ فقره چک به شماره های ۹۶/۸/۲-۴۹۰۵۵۸ به مبلغ ۳۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال و ۹۶/۶/۲-۴۹۰۵۵۶ به مبلغ ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ریال و ۹۶/۷/۲-۴۹۰۵۵۷ به مبلغ ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال عهده بانک سپه شعبه آزادگان بوشهر با توجه به گواهی عدم پرداخت بانک محال علیه و امضای خوانده ذیل چک ها باتوجه به وجود اصل چک های مستند دعوا نزد خواهان که دلالت بر اشتغال ذمه خوانده می نماید و نظر به این که خوانده علی رغم ابلاغ وقت دادرسی حضور نیافته و لایحه ای نیز ارسال ننموده و دلیلی بر برائت ذمه خویش و پرداخت وجه چک ها ارائه ننموده لذا امضای مذکور از تعرض مصون مانده و شورا باتوجه به محتویات پرونده دعوای خواهان را وارد تشخیص و با استصحاب بقای دین خوانده و با استناد به خواد ۱۹۸-۵۱۹-۵۲۲ ق آ د م مصوب ۱۳۷۹ و مواد ۳۱۰و۳۱۳ ق تجارت و استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام حکم به محکومیت خوانده به پرداخت ۹۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال اصل خواسته و ۲,۲۳۲,۵۰۰ ریال هزینه دادرسی و ۳,۳۴۸,۰۰۰ ریال حق الوکاله وکیل و هزینه نشر آگهی ۲۵۰,۰۰۰ ریال و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید تا اجرای کامل حکم با رعایت تناسب شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی اعلام می گردد در حق خواهان صادر و اعلام می دارد .رأی صادره غیابی و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شورا و بیست روز پس از آن قابل اعتراض در دادگاه عمومی ساری می باشد.م/الف

قاضی شورای حل اختلاف ساری-زهرا یزدان پناه

دادنامه

پ ک:۹۷۰۹۹۸۲۰۷۴۵۰۰۰۲۹ خواهان:رقیه رمضان نیا جنید ف بخشعلی با وکالت مصطفی درسته ف رمضان خواندگان: ۱-عباس کریم زاده ترابی۲-سیدحسین موسوی آبندانسری۳-احمد اسدی ((رأی قاضی شورا)):درخصوص دعوای رقیه رمضان نیا جنید ف بخشعلی با وکالت مصطفی درسته ف رمضان به طرفت احمد اسدی ف امراله و سید حسن موسوی آبندانسری ف میرحیدر و عباس کریم زاده ترابی ف جلیل به خواسته الزام خواندگان به تنظیم سند تویوتا یاریس مدل ۲۰۰۸ به شماره ۳۳۶ط۳۹۲ ایران۳۳و هزینه دادرسی و حق االوکاله،شورا باتوجه به اظهارات شهود و خوانده اول و قرارداد عادی معامله بین خواندگان اول و دوم و خوانده اول با خواهان که دلالت دارند خواهان این وسیله نقلیه را خریداری کرد و خواندگان دوم و سوم متصرف آن بودند و سند به نام خوانده سوم است و تصرف هم دلیل بر مالکیت است لذا به استناد ماده ۲۲۰ قانون مدنی و ۵۱۹و۵۱۵ ق آ د م خوانده سوم را به انتقال سند وسیله فوق به نام خواهان و پرداخت هزینه دادرسی به مبلغ ۳۸۸,۷۵۰ ریال و ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال حق الوکاله به میزان تمبر مالیاتی در حق خواهان محکوم می نماید.اما در مورد دعوای خواهان نسبت به خواندگان ردیف اول و دوم چون سند به نام آن ها نمی باشد به استناد بند ۴ ماده ۸۴ و ۸۹ قانون فوق قرار رد دعوا صادر و اعلام می گردد.رأی محکومیت غیابی و پس از ابلاغ ظرف بیست روز قابل اعتراض در این مرجع و رأی رد دعوا حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه حقوقی ساری می باشد.م/الف

قاضی شعبه ۱۵ شورای حل اختلاف ساری-حمید حسینیان

اصلاحیه

در اخطاریه باشماره پرونده ۱۳/۹۶/۴۷۶ شعبه ۱۳ شورای حل اختلاف ساری منتشر شده در ۳ مرداد۹۷ نام خواهان علی دانشگر با نمایندگی مریم کسیری کلموز صحیح است که بدین وسیله اصلاح می گردد.

دادنامه

پرونده:۹۶۰۹۹۸۱۲۲۷۲۰۰۲۲۴ دادنامه:۹۷۰۹۹۷۱۲۲۷۲۰۰۳۶۹ خواهان:مرضیه رنجبر ف غلامعلی با وکالت خدیجه هدایتی ف علی خوانده:داوود بهرامی نیا ف رحمت اله-مجهول المکان خواسته:طلاق به درخواست زوجه گردش کار به تاریخ ۹۷/۴/۲۸ در وقت فوق العاده جلسه شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی محمودآباد به تصدی امضاکننده ذیل تشکیل و پرونده کلاسه فوق تحت نظر است ملاحظه می گردد خواهان دادخواستی به خواسته مطرح در فوق تقدیم که به این شعبه ارجاع و به شماره مذکور ثبت گردید که به موجب آن تقاضایی به شرح مذکور نموده است دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده و با استعانت از خداوند متعال ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می نماید.((رأی دادگاه)):درخصوص ادعای مرضیه رنجبر باوکالت خدیجه هدایتی به طرفیت داود بهرامی نیا به خواسته صدرو گواهی عدم امکان سازش الف)نظر به مندرجات تصویر مصدق سند نکاحیه شماره ۴۵۸۳ دفتر رسمی ثبت ازدواج شماره ۸ حوزه ملایر ، رابطه دائمی زوجیت فی مابین خواهان و خوانده دعوی محرز است ب) خواهان ترک زندگی مشترک و عدم ایفای وظایف شرعی و قانونی زوج را علت طرح مدعی به بیان داشته مودای گواهی گواهان که در تاریخ ۹۶/۸/۲۹ و پس از تعرفه و دلالت به شرح اوراق جداگاه از آن ها تحقیق شد موید اظهارات مدعی است ج)از توجه به حدوث اختلاف در رابطه زوجیت موضوع به داوری ارجاع داوران گزارش خویش را پس از تمهید مقدمات در تاریخ ۹۶/۱۱/۲۵ ارائه که به شماره ۱۳۹۶۰۴۷۰۰۱۲۶۸۱۵۹ ثبت دفتر شد مراتب معروضه در گزارش داوری دلالت بر عدم امکان سازش فی مابین زوجین دارد د) پیرامون حقوق مالی زوجه تمام مهریه به انضمام نفقه معوقه ، اجرت المثل و نحله را به زوج بذل نموده و نسبت به جهیزیه ادعایی ندارد ه) مفاد گزارش پزشکی قانونی شماره ۵۹۰/۸۷۴/م/۱۳/۲۹-۹۷/۴/۴ حاکی از عدم وجود حمل در زوجه است بنا به مراتب مرقوم دادگاه تخلف زوج ازشروط ضمن عقد را محرز دانسته به استناد مواد ۲۷-۲۸-۲۹-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵و۳۹ قانون حمایت خانواده و ۱۱۱۹ قانون مدنی ادعای خواهان را حمل بر صحت تلقی نموده گواهی عدم امکان سازش صادر تا زوجه در یکی از دفاتر رسمی طلاق حاضر و با وکالت از زوج و با حق توکیل به غیر و پس از بذل تمام مهریه به شرح مذکور و قبول بذل با وکالت از زوج و با حق توکیل به غیر خود را به طلاق از نوع خلع مطلقه نماید رأی صادره غیابی بوده ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه و پس از انقضای آن در ظرف بیست روز قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر مازندران و پس از مضی مهلت مذکور در ظرف بیست روز قابل فرجام در دیوان عالی کشور می باشد.م/الف

ناصر ناصری-رییس شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی محمودآباد

آگهی مزایده نوبت اول

در پرونده اجرایی ۹۷۰۰۵۲ له محمدحسین سال علیه مریم شیرخانلو و غیره دایر بر مطالبه که منتهی به توقیف مال و ارزیابی توسط کارشناس منتخب این اجرا گردید با مشخصات ذیل از طریق مزایده به بالاترین قیمت پیشنهادی به فروش می رسد.مال موضوع مزایده:دویست و سی و هفت سهم مشاع از هشت هزاروششصدوده سهم از پلاک ثبتی به شماره ۴۳۸ فرعی از ۱۱۶ اصلی بخش ۳ در آدرس زوارکوچه نیایش رقبه موصوف دارای اعیانی در دو طبقه و هر طبقه به مساحت تقریبی ۶۰مترمربع که جمعا دارای ۱۲۰ مترمربع بنا می باشد و دارای آب و برق و گاز بوده خارج از بافت می باشد . ارزش عرصه ۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال ارزش اعیان ۹۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال جمع کل ارزش عرصه و اعیان یک میلیارد و سیصدوپنجاه میلیون ریال ارزیابی می گردد . این مبلغ در زمان مزایده به عنوان مبلغ پایه محاسبه و محاسبه وکسانی که بالاترین مبلغ را در زمان مزایده پیشنهاد نمایند برنده مزایده شناخته شده و می بایست ده درصد قیمت پیشنهادی را نقدا و مابقی را ظرف مهلت یک ماه از تاریخ مزایده تادیه نمایند.در صورت عدم تادیه مبلغ باقیمانده در مهلت قانونی مزایده ابطال و مبلغ واریزی به نفع صندوق دولت ضبط خواهد شد.زمان مزایده:سه شنبه ۹۷/۵/۳۰ ساعت ۱۲ ظهر محل مزایده:اجرای احکام دادگاه بخش نشتا .م/الف

مدیراجرای احکام مدنی دادگاه بخش نشتا -ملازاده